



«خطرات مباشر انگلیسی سردار اکرم»

نویسنده فرانسیس فوربزلیث

(۵)

فصل چهارم

سروات سردار اکرم - دهقانان - دژ فرماندهی ما در لیت گاه - مباشران
نظام - روش زراعت ابتدائی - فساد و حقه بازی - سهم مالکانه - روش
ملوک الطوائفی - ارتش کوچک ما

سردار اکرم ، پس از فوت پدرش^۱ در سال ۱۹۱۶ ، املاکی وسیع از او به ارث برد. که بالغ بر ۵۰۰ میل مربع وسعت داشت ، این املاک شامل ۶۶ روستا بود که هر کدام بین یکصد و پنجاه تا دوهزار تن جمعیت داشت و باینکه بعضی از آنها بعزت برخوردار از قحطی آسیبی نداشت دیده بود ولی میزان کلی خسارت املاک سردار دره قایسه با دیگران کمتر بود ، زیرا اغلب این مزارع در ارتفاعات قرار داشت و محصول آنها بصورت «دیم» بود و در نتیجه به آبیاری احتیاجی نداشت . علت دیگر این بود که مرکز فرماندهی قشون روسیه در منزل سردار استقرار داشت^۲ و چون افراد واحدهای تابع این پایگاه از انضباطی شدید برخوردار بودند از آنرو نمیتوانستند مانند واحدهای پراکنده دیگر عمل کنند و به محصولات زراعتی خسارت فراوان وارد آورند . آشکارا مشخص بود که روستاهای خارج از محدوده املاک سردار ، از جمعیت خالی شده است و چندتنی هم که از قحطی و بیماری جان بدر برده بودند

* آقام، دکتر حسین ابوترابیان از ترجمانان و پژوهندگان معاصر.

به روستاهائی رفتند که آسیبی کمتر دیده بود. در مواقع عادی، درآمد سالانه سردار اکرم از اسلاکش در حدود ۱۵۰ هزار دلار^۳ و تمام آن اجاره بهائی است که از زارعان می گیرد. وضع روستاها بصورت کاملاً ابتدائی و شامل مجموعه ای است از خانه های خشت و گلی رعیتی و سقف آنها یک لایه گل بقطر ۱۲ اینچ است که بر روی تنه درختان نازکی که بطور ردیف در کنار یکدیگر قرار دارد میمالند. این گونه سقفها از یک جهت شیبی کم دارد که آب باران بتواند به پائین سرازیر شود. ولی باید دانست که این شیب نباید از حد معمول بیشتر باشد، و گرنه در مواقع بارندگی شدید باعث از بین رفتن و شستن پوشش سقف میشود. این گونه سقفها باید هر چند گاه یکبار بوسیله گرداندن یک سنگ گرد و سنگین سفت و محکم شود و بخاطر این کار بر بام اغلب خانهها یک «بام غلطان» وجود دارد و معمولاً پس از هر بارندگی، جوانان خانواده با غلطاندن آن بر بام، گل های نرم شده را سفت میکنند تا از ترک خوردن سقف و نفوذ آب در لابلای آن جلوگیری کنند. درباره لزوم این کار، ما خاطره ای بسیار بدهم داریم:

موقعیکه خانه مسکونی ما ساخته میشد، بام خارج و زحماتی زیاد در حدود دو ماه طول کشید تا تمام دیوارها و سقف اطاقها را با گچ سفید کردم و یک هفته پس از اتمام بنا که مصادف با پایان زمستان و آغاز ذوب شدن برفها بود، برای انجام کاری همراه دو تن از نوکران خود به پایتخت رفتیم. در مدت غیبت ما، یکی از اهالی محل که وظیفه حفاظت از منزل را بعهده داشت با وجود شروع بهار و آب شدن برفها از بام غلطان زدن پشت بام مسامحه کرد و یکروز عصر، درست نیم ساعت قبل از مراجعت ما از سفر پرسستی که انجام داده بودیم، بعلت ریزش بارانی شدید، تمام سقف منزل ما پائین آمد و در اثر آن همه زحمات دو ماهه بیاد رفت. موقعیکه ما به منزل رسیدیم تمام اطاقها در آب غرقه بود و بعلت آن، اثاثه ما آسیب فراوان دیده و بسیاری از فرشهای گرانتیمت خراب شد. از مشاهده این صحنه که فقط به دلیل مسامحه ایجاد شده بود، حالی بمن دست داد که میخواستم گریه کنم، ولی بیاد آوردم که زندگی در کشورهای مشرق زمین از اینگونه حوادث زیاد بهمراه دارد و هر کس باید بیاموزد که چگونه این اتفاقات را دست کم گرفته و خود را بقضا و قدر تسلیم کند.

در ایران، با اینکه انواع مواد غذایی بسیار خوب تولید میشود ولی خوردن انسان بسیار ساده زندگی و اغلب از مواد گیاهی تغذیه میکنند. گوشت برای آنان جنبه اشرافی دارد و بجز در مواقع استثنائی مثل روزهای عید و یا عروسی مصرف نمیشود. هر چند در تمام خانه های روستائی، مرغ و خروس و گوسفند و بز نگهداری میشود ولی از این حیوانات

بیشتر بخاطر کسب درآمد استفاده میشود ، نه خوردن گوشتشان . زیرا هر گوسفند یا بز بهر سال در حدود یک برابر ونیم ارزشش پشم و شیر و کره و پنیر تولید میکند .

غذای عمده مردم کشور بصورت نان فطیر است که از آرد سبوس گندم تهیه میشود و معمولا آنرا همراه باماست و پنیر و سبزیهای مختلف مصرف میکنند که در میان آنها خیار و گوجه فرنگی از همه رایج تر است . در سال ۱۹۱۶ عده ای از اعضاء میسیون مذهبی آمریکائی مقداری سیب زمینی به ایران وارد کردند که پس از کاشتن ، مقارن بروز قحطی ، محصول آن بدست آمد . و آنان بفوریت تمام محصول را به مناطق مجاور بخش کردند تا دوباره کاشته شود در ۴ باغ او ان شدن این ماده مغذی ، سیب زمینی بصورت یکی از خوراکی های پر طرفدار درآمد و گسترش کشت آن بقدری سریع بود که در سال ۱۹۲۱ محصول آن بتنهائی در «تک گاه» از یک هکتار تن افزون شد و این فراوانی بقدری قیمت سیب زمینی را پائین آورد که فروش آن حتی مخارج حمل و نقل را تأمین نمیکرد . در ایران همه نوع میوه از قبیل: هلو ، گلابی ، سیب ، گوجه ، انگور و زردآلو فراوان بعمل میآید و کشمش یکی از مواد بدست مردم آنرا به وفور مصرف میکنند .

از نظر اروپائیان هزینه زندگی در ایران بسیار ناچیز است . پرخرج ترین ماهی که ما در ایران گذرانیدیم ، دسامبر سال ۱۹۲۰ بود که در تمام تعطیلات آخر هفته این ماه مهمان داشتیم و علاوه بر آن در ۴ روز از ایام کریسمس مهمانی مفصلی برگزار نمودیم که مقدار زیادی نوشابه الکلی نیز برای رونق بزم مصرف شد . مخارج کل ما در آن ماه که شامل غذا و مشروب مهمانان و حقوق و چیزه شش مستخدم میشد ، به حدود ۲۰۰ دلار رسید . خانم و آقایان ایرانی بسیار خوب و در دستکار هستند ، ولی گاهی در جهت منافع اربابشان از پاهای دیگران استفاده میکنند . از اینرو مادر تمام طول اقامتشان در ایران ، تنهادر مواردی خود را بقتل کردن قسمه های اشیاء قیمتی محتاج میدیدیم که دوستان ما با اتفاق نوکرانشان به اوقاتشان آمده بودند . و از سوی دیگر ، اگر ما نوکرانمان را همراه خود برای ملاقات با دیگران میردیم ، معمولا چندی بعد از میزبان شکایاتی مبنی بر گرم شدن بعضی از وسایل منزلشان می شنیدیم و چند روز بعد غالباً همان اشیاء گمشده را مثل کفش یا کتی یا چیزهای دیگری شبیه آن در میان وسایل منزل خود می یافتیم . شرمندگی نوکران در موقع تنبیه آنان بخاطر این گونه قصور خیلی دیدنی بود ، زیرا آنان تصور میکردند در مقابل این کار مستحق پاداش هستند ، نه تنبیه . تنها مورد دزدی که در تمام این مدت از نوکران خود مشاهده کردیم در اوائل ورود ما اتفاق افتاد ، و آن گرم شدن يك شیشه بزرگ آب گدان بود که البته اطمینان دارم به تصور مشروب الکلی آنرا ربوده بودند هر چند برای یافتن آن بگیری نکردم ولی حال خراب یکی از نوکران ، بمن ثابت کرد رباینده

اوست و خدمت صائب است . امار بودن از پول ارباب بصورت دریافت کمیسیون از دکان داران توسط سرپیشخدمت و آشپز در موقع خرید مایحتاج ، یکی از اعمال معمول و شرافتمندانه محسوب میشود و من نیز هیچگاه در صدد بر نیامدم که از این کار جلوگیری ، زیرا آنرا بعنوان درجه اطمینانی برای جلوگیری از دزدیهای بزرگتر میدانستم . صرف نظر از اینگونه تفصیلات جزئی ، وقتی به آن دوران مینگرم از صداقت و شرافت نوکرها خیلی خوشحال هستم ، زیرا باکمال اطمینان میتوانستیم مقادیری زیاد پول را بجای در صندوق گذاشتن و قفل کردن ، با آنان بسپاریم و حتی در مواقعی که برای چند روز از منزل غیبت میکردیم ، هیچگاه اتفاق نیافتاد که در اینگونه موارد اختلاسی صورت بگیرد .

ادامه دارد

۱ - امیر نظام

- ۲ - منظور، قوای اشغالگر ارتش روسیه تزاریست که در جنگ اول به ایران هجوم آورده بودند .
- ۳ - در آن زمان هر دلار در حدود یک تومان قیمت داشت .
- ۴ - بنظر میرسد که این عده ، سیب زمینی معروف به «استانبولی» را به ایران آورده باشند و گرنه ، از زمان فتحعلی شاه در ایران سیب زمینی بعمل میآمده است که توسط انگلیسها به ایران آورده شده بود .

پیشگاه علم انان مطالعات فتنی
 رتال جامع علوم انسانی
 فکر

هر زمان فکری چو مهمان عزیز،	آید اندر سینه، چون جان عزیز .
فکر اندر سینه آید ، نوبنو ،	خند خندان، پیش او تو بازرو .
فکر غم گر راه شادی میزند ،	کارسازیهای شادی میکنند .
هین ! مگو که ماند اندر گردنم ،	که هم اکنون باز پرد در عدم .
خانه میروید، به تندی ، اوزغیر ،	تا بروید شادنی از اصل خیر .

مولانا محمد بلخی - قرن هفتم هجری